

۹  
دزد نیش‌های عروسی

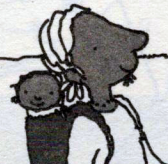
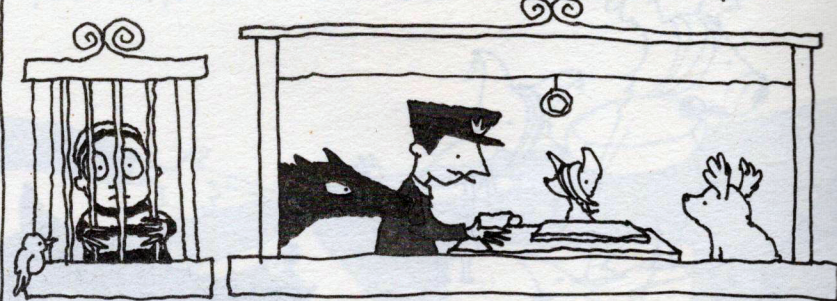
تصویرگر:  
استیون  
مایکل کینگ

لزلی  
گیبسن





گروهبان و گروهش تمام هفته داشتند روی همین پرونده کار می‌کردند. دو تا سگ عروسکی کیفی را توی مراسم فرش قرمز سینما دزدیده بودند. هیچ‌کس نمی‌دانست کی سگ‌ها را می‌دزدد و اصلاً چرا می‌دزدد. دزدها برای پس‌دادن سگ‌ها حتی پول هم نخواستند. گروهبان پرونده‌ای را که روی میزش بود، باز کرد و دو تا عکس بیرون کشید. عکس یک سگ قهوه‌ای کوچولوی کیفی بود و یک چی‌واوای سفید. جرّقه تندی این دو تا سگ را شناخت. مایلو و کی‌کی بودند. مایلو یک سگ عروسکی خیلی کوچولو بود و توی یک شرکت تبلیغاتی به نام شیکان‌پیکان به عنوان مُدل کار می‌کرد. کی‌کی هم با خواننده‌ای به نام ساسی‌سوسه همه‌جا می‌رفت.



جرّقه رسید محلّ کارش، به کلانتری شهر آفتابگردان و همان‌موقع بود که بوی دردسر را احساس کرد. حتماً مشکلی پیش آمده بود، وگرنه گروهبان سخت‌پسند آن‌قدر نگران و دستپاچه نبود. گروهبان گفت: «بریم دفتر من. می‌خوام باهاتون حرف بزنم.» شکرپنیر و زغال‌اره جلوی میز گروهبان آماده نشسته بودند. جرّقه پچ‌پچ کرد: «چه خبر شده؟» شکرپنیر ذوق‌زده دُمش را جنباند و گفت: «یه مأموریت مخفی ویژه داریم. گروهبان امروز صبح بهم زنگ زد و گفت زودتر خودم رو برسونم کلانتری. فکر کنم مأموریتمون یه ربطی داره به سگ‌دزدی‌هایی که این

آخری‌ها اتفاق افتاده.» جرّقه‌های توی دل جرّقه جِرق جِرق کردند.

